

احکام محارب

قسمت بیستم

حجة الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی

فی الطریق الّذی جاء منه لکن الردّة تختصّ بالكفر والارتداد یُستعمل فیهِ و فی غیره بین ارتداد و ردّة هر دو بمعنای بازگشت است از راهی که قبلاً آمده است لکن واژه ردّه صرفاً در رجوع از اسلام بسوی کفر استعمال می شود و ارتداد اعم است در جای دیگر نیز استعمال می شود پس برای هر دو استعمال از قرآن شاهد می آورد.

و در اصطلاح فقهاء واژه مرتد از قرآن مجید گرفته شده است و در چند جای قرآن از ارتداد بصراحت یاد شده است: سوره مائده آیه ۵۴

یا ایها الذین آمنوا من برئت منکم عن دینه فسوف یأت الله بقوم یحبهم و یحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم ای مؤمنین اگر کسانی از شما از ایمان خود بازگردند چنین خیال نکنید که اسلام بی کمک و یاور می ماند بلکه هر چه زودتر خداوند قومی را می آورد که

در مقالات گذشته مقداری در رابطه با احکام باغی و محارب بحث کردیم فعلاً به یکی از عناوین دیگری که از نظر اسلام جرم بسیار مهم بحساب می آید و مرتکب آن کیفر شدیدی نیز دارد می پردازیم و آن عنوان مرتد است.

مرتد از ماده ردّه بمعنای رجوع است در لسان العرب می گوید: «و قد ارتد و ارتد عشه: تحوّل و الاسم الردّة و منه الردة عن الاسلام ای الرجوع عنه». یعنی ارتد بمعنای تحوّل و تغییر و دگرگونی است و اصل لغوی آن ردّة است و از همان باب است ردّة عن الاسلام یعنی رجوع از اسلام و ارتد فلان عن دینه اذا کفر بعد اسلامه یعنی اگر کسی از اسلام برگردد و کافر بشود باو گفته می شود که از دین خود مرتد شده است.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات خود می گوید: و الارتداد و الردّة الرجوع



آنان خدا را دوست می دارند و خداوند آنها را، در برابر مؤمنین متواضع و خاضع هستند و در برابر کفار شدید و قاطع و بزرگوار و در راه خداوند مجاهدت و تلاش می کنند و از قدرت و سرزنش هیچ کس نمی ترسند.

و در سوره محمد (ص) آیه ۲۵ می فرماید: ان الذين ارتدوا على اديبارهم من بعد تبين لهم الهدى الشيطان سؤل لهم. کسانی که پس از روشن شدن حقیقت برایشان و پس از هدایت بسوی اسلام دوباره به کفر بازگردند شیطان برای آنها این عمل را زینت داده است و آنها فریب شیطان را خورده اند.

و بالاخره در سوره بقره آیه ۲۱۷ می فرماید: ومن يرتد منكم عن دينه فيمت وهو كافر فاولئك حبطت اعمالهم في الدنيا و الاخرة و اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون کسی که از شما مسلمین از دین خود بازگردد و در حال کفر و ارتداد بمیرد اعمال او در دنیا و آخرت باطل می شود و اینان همواره در جهنم خواهند بود.

یعنی ارتداد از نظر پروردگار مانند آتشی است که به خرمن اعمال انسانها می افتد و آنچه که از حسنات و اعمال نیک در گذشته انجام داده است نابود می سازد و اثر آنها در دنیا و آخرت نابود می شود و اگر بدون توبه از دنیا برود با کمال تهی دستی پروردگار را ملاقات کرده است در حالیکه کافر است و در عذاب جهنم همیشگی خواهد بود.

تا اینجا ریشه قرآنی و لغوی ارتداد را متوجه شدیم و اما فقهای بزرگوار در

رابطه با مرتد عبارات مختلفی دارند لکن مورد اتفاق همه فقهاء این است که: ارتداد رجوع و بازگشت از اسلام بسوی کفر است: امام امت در کتاب تحریر الوسیله در موانع ارث می فرماید:

مسئله ۱۰ المرتد وهو من خرج عن الاسلام و اختار الكفر علی قسمین فطری و ملی. یعنی مرتد کسی است که خارج بشود از اسلام و کفر را اختیار کند و همچنین فقهای دیگر نیز قریب باین مضمون در کلمات خود آورده اند لکن مسئله ای مورد بحث میان فقها است که بآن اشاره می کنیم: آیا در ارتداد و احکام آن لازم است که یک مسلمان از اسلام خارج بشود و بصد آن معتقد باشد و کفر را اختیار کند یا صرفاً عدم اعتقاد کافی است: مثلاً آیا کسیکه معتقد به وجود خداوند و یا وحدانیت پروردگار نباشد کافر و مرتد می شود حتی اگر در حال شک باشد و نفی و انکار نکند یا باید منکر اعتقادات اسلامی باشد و ضد اعتقاد اسلامی را معتقد بشود تا احکام کفر و ارتداد بر او جاری شود ظاهر عبارات اکثر فقهای اسلام شق دوم است.

مرحوم محقق در کتاب حدود شراب می فرماید: فی المرتد و هو الذی یکفر بعد الاسلام.

مرتد کسی است که پس از قبول اسلام کافر بشود و در کتاب طهارت شراب می فرماید:

العاشر: الکافر و ضابطه من خرج عن الاسلام او من انتحل و جحد ما یعلم من الدین ضرورة کالخورج و الغلاة.

دهم از نجاسات کافر است و کافر کسی است که از اسلام خارج شود و یا اگر اسلام را قبول دارد چیزی را که از ضروریات و بدیهیات اسلام است منکر بشود مانند خوارج و غلاة.

و امام امت در تحریر الوسیله در کتاب الطهارة می فرماید: العاشر الکافر: وهو من انتحل غیر الاسلام او انتحل و جحد ما یعلم من الدین ضرورة بحيث یرجع جحوده الی انکار الرسالة او تکذیب النبی (ص) او تنقیص شریعة المظهرة او صدر منه ما تقتضی کفره من قول او فعل. یعنی دهم از نجاست کافر است و کافر کسی است که غیر از اسلام دینی را برای خود اتخاذ کند و یا اسلام را انتخاب کند لکن یکی از ضروریات دین را که برای او روشن است انکار کند بطوریکه انکار آن بازگشت بانکار رسالت و یا تکذیب نبی اکرم (ص) و یا ناقص شمردن شریعت مظهره اسلام باشد و یا چیزی که موجب کفر است اعم از قول یا فعل از او صادر شود همانطور که از عبارات فوق ظاهر است مرتد کسی است که از اسلام خارج بشود و کفر را انتخاب کند و کفر با دو چیز حاصل می شود: ۱- اعتقاد به مکتبی و مذهبی غیر از اسلام. ۲- صدور قول یا سخنی که بازگشتن به تکذیب رسول الله و یا اسلام باشد. و عبارات فقهاء نوعاً همین طور است و به کسیکه شکی در اعتقاد او حاصل شده است و هنوز لفظاً اسلام را نفی نکرده و یا عملی که موجب نفی اسلام است انجام نداده و

احکام محارب



یا مذهبی و مکتبی غیر از اسلام را قبول نکرده اطلاق نمی شود و ظاهر آیاتیکه در رابطه با ارتداد گذشت همان است یعنی کسیکه از اسلام و دینی که اتخاذ کرده، بازگردد و چیزی را که قبل از اسلام باور داشته قبول کند و معنای لغوی ارتداد نیز همین مطلب را می رساند.

لکن بعضی روایات دلالت می کنند باینکه اسلام یک امر ثبوتی و کفر یک امر عدمی است و تقابل کفر و اسلام تقابل عدم و ملکه است یعنی کسیکه معتقد با اسلام و وحدانیت پروردگار و رسالت رسول اله باشد مسلمان است و اگر نباشد کافر است و گرچه خلاف آنرا نیز معتقد نباشد.

در روایتی که سند صحیح دارد، عبدالله بن سنان یکی از بزرگان اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام است، از ایشان نقل می کند که فرمودند: « من شک فی الله او فی رسوله (ص) فهو کافر ».

(وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۵۶۸ ابواب حد مرتد)

یعنی هر کس در رابطه با خداوند و یا رسول اله تردید کند و شکی برایش عارض شود او کافر است.

این روایت تأیید می کند این مطلب را که ایمان تصدیق وحدانیت و

رسالت رسول الله است و کفر عدم آن تصدیق است خواه با انکار باشد و یا باشک و تردید.

و طبق این روایت هر کسیکه لحظه ای در اعتقاد فوق الذکر شک نماید کافر است و کسیکه قبول داشته باشد و سپس شک کند مرتد است.

ولی با توجه به روایات دیگری که در رابطه با شک و تردید، برای بعضی از صحابه رسول الله گاهی عارض شده است وارد شده است و بحشوائیکه متکلمین بزرگ شیعه در این زمینه دارند صرفاً عروض شک و تردید در زمان خاص اگر موجب بروز عملی و یا سخنی که دال بر انکار وحدانیت پروردگار و یا رسالت رسول الله (ص) و یا انکار ضروری دین نباشد کفرآور نیست بلکه گاهی تردید و شک موجب تکامل و قوت آن می شود در صورتی که انسان دنبال تقویت ایمان و یقین خود باشد و معنای اینکه در اصول دین تقلید

جایز نیست باید اجتهادی باشد همین

است که انسان به دنبال منطق و استدلال برود و یقین قاطع حاصل کند و قطعاً در موقع تحقیق آن قطع و یقین کامل را ندارد.

اینکه در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که محمد بن مسلم یکی دیگر از یاران آن بزرگوار می گوید که در جلسه ای که با امام صادق علیه السلام داشتیم من دست چپ امام نشسته بودم و زراره طرف راست که ابوبصیر وارد شد و از امام صادق سؤال کرد که چه می فرمائید در

باره کسیکه در وحدانیت پروردگار و یا در وجود او شک کند؟ فرمود او کافر است. گفت کسیکه در رسول الله شک کند چگونه؟ فرمود: کافر است. ثم التفت الی زراره فقال: انما یکفر اذا جحد. سپس بسوی زراره توجه کردند و فرمودند هنگامی کافر می شود که علناً منکر خدا و رسول خدا باشد یعنی فرمایش اولی خودشان را در رابطه با کفر شاگ مقید فرمودند به وقتیکه شاگ علاوه از شک قلبی اظهار انکار عملی و یا لفظی بکنند. بالاخره آنچه که از کلمات فقهاء و متکلمین بزرگوار شیعه و روایات ظاهر است و آیات نیز همانرا تأیید می کند اینست که تا مادامیکه انکار قطعی قلبی و یا لفظی و یا عملیکه بازگشت به تکذیب خدا و رسول خدا باشد از انسان سرنزده بر او مرتد صدق نمی کند و احکام مرتد بر او بار نمی شود و ما کلمات فقهاء را در این زمینه در مقاله آینده با احکام مرتد و اقسام آن بحث خواهیم کرد انشاء الله

ادامه دارد

